

OCR

Oxford Cambridge and RSA

Friday 20 May 2016 – Afternoon**GCSE PERSIAN****A823/01** Reading

Candidates answer on the Question Paper.

OCR supplied materials:

None

Other materials required:

None

Duration: 1 hourCandidate
forenameCandidate
surname

Centre number

Candidate number

INSTRUCTIONS TO CANDIDATES

- Write your name, centre number and candidate number in the boxes above. Please write clearly and in capital letters.
- Use black ink.
- Answer **all** the questions.
- Read each question carefully. Make sure you know what you have to do before starting your answer.
- Write your answer to each question in the space provided. Additional paper may be used if necessary but you must clearly show your candidate number, centre number and question number(s).
- Do **not** write in the bar codes.

INFORMATION FOR CANDIDATES

- The number of marks is given in brackets [] at the end of each question or part question.
- The total number of marks for this paper is **50**.
- You do not have to write in full sentences and your answers will not be marked for the accuracy of the language.
- Dictionaries are **not** allowed.
- This document consists of **20** pages. Any blank pages are indicated.

Answer **all** the questions.

Exercise 1: Questions 1 – 5

Shabnam's Iranian School

Tick (✓) the correct box.

Example:

How old is Shabnam?

شبنم فقط چهارده سال دارد.

A sixteen

☐

B fourteen

☒

C eighteen

☐

1 Where is the school?

مدرسه در شمال لندن است.

A North London

☐

B South London

☐

C near Leeds

☐

[1]

2 How often does Shabnam attend school?

او هفته‌ای دو روز به مدرسه می‌رود.

A every day

☐

B once a week

☐

C twice a week

☐

[1]

3

3 Who usually takes her to school?

او عموماً با مادر دوستش می‌رود.

A her mother

☐

B her friend's mother

☐

C she walks to school alone

☐

[1]

4 How many pupils are there in Shabnam's school?

مدرسه صد و بیست شاگرد دارد.

A ninety six

☐

B hundred and twenty

☐

C two hundred twenty

☐

[1]

5 What do they teach in her school?

آنها در مدرسه کلاس فارسی و کلاس هنر دارند.

A Persian

☐

B Persian and English

☐

C Persian and art

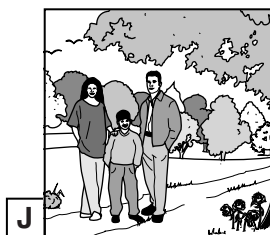
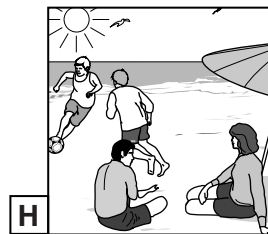
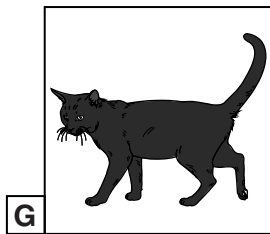
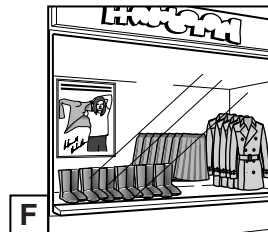
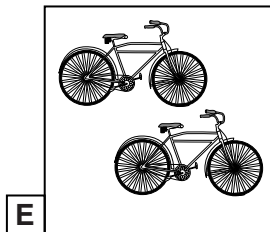
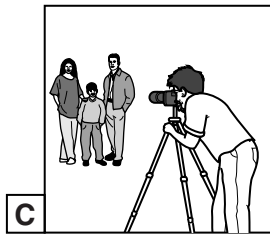
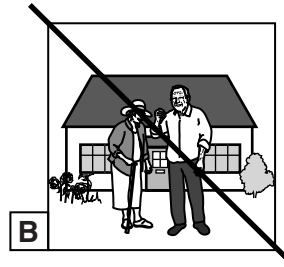
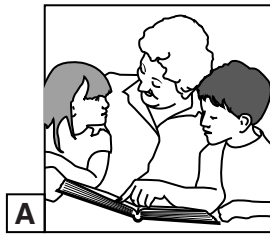
☐

[1]

[5 marks]

Exercise 2: Questions 6 – 12

Zahra and Hassan visit their aunt and uncle.



Write the correct letter in the box.

Example:

خاله‌ی بزرگمان و شوهرش در یک
خانه‌ی کوچک زندگی می‌کنند.

B

- 6 مادرم برای خواهر بزرگش کیک
بادامی می‌پزد. [1]
- 7 من برای او یک لباس پشمی
می‌برم. [1]
- 8 خاله‌مان یک گربه‌ی سیاه ملوس
دارد. [1]
- 9 ما به داستان‌های او علاقه‌ی وافر
داریم. [1]
- 10 شوهر خاله‌مان ما را به پارک
می‌برد. [1]
- 11 برادرم با دوربینش از ما عکس
می‌گیرد. [1]
- 12 دایی‌مان از آمریکا به آن‌ها تلفن
می‌کند. [1]

[7 marks]

Exercise 3: Questions 13 – 18

Leili talks about her friend Rana.

اسم من لیلی است.
 رنا دوست عزیز و با ارزش من در آلمان درس می‌خواند اما سالی دو هفته به لندن
 می‌آید و در منزل ما می‌ماند.
 در این مدت لذت بخش ما غالباً روزها به موزه می‌رویم و شبها در رستوران برادر
 به او کمک می‌کنیم و با پولی که می‌گیریم برای خودمان خرید می‌کنیم.
 من پدر و مادر رنا را نمی‌شناسم ولی می‌دانم که ساکن تبریز هستند. رنا با پدر و
 مادرش فقط ترکی آذری صحبت می‌کند. آنها به زحمت فارسی صحبت می‌کنند.

Complete each sentence with a word from the list.

riding	shopping	travels
at home	museum	art galleries
Germany	one week	with difficulty
know	two weeks	like
stays		

Example:

Rana lives in *Germany*

- 13 Rana visits her friend for a year. [1]
- 14 Rana with Leili's family in London. [1]
- 15 The two friends go to a during the day. [1]
- 16 Rana and Leili use the money they earn from the restaurant for [1]
- 17 Leili does not Rana's parents. [1]
- 18 Rana's parents speak Persian [1]

[6 marks]

7

BLANK PAGE

PLEASE DO NOT WRITE ON THIS PAGE

Exercise 4: Questions 19 – 24

Saeed and Jamal talk about their daily life.

Read the texts.

سعید

من ۱۷ ساله هستم.
ما سال گذشته از دوبی به ایستبورن
آمدیم.
خانواده‌ی پدر من بیشتر در دوبی زندگی
می‌کنند. من در دوبی عربی و انگلیسی
می‌خواندم.
مدرسه‌ی فعلی من از منزلمان بسیار
دور است و من هر روز یک ساعت در
قطار هستم. پسرخاله‌ی من بهترین
دوست من است و او من را با خودش
به کنسرت‌های ایرانی می‌برد.

جمال

من ۱۴ ساله هستم.
در ۵ سالگی با برادرهایم به انگستان
آمدم.
پدرم در ایران یک رستوران لوکس
دارد و مادرم هم تمام وقت با او
کار می‌کند.
من تعدادی دوست خوب دارم که با
آنها با دوچرخه به مدرسه می‌روم.
برادر بزرگم در منزل درس پیانو
می‌دهد.
دوستان ما صرفاً ایرانی هستند و ما
به اتفاق به سینما می‌رویم.

For each statement, tick (✓) **one** box.

Choose **either** Jamal (جمال) **or** Saeed (سعيد) **or** neither.

Example:			
	Jamal	Saeed	neither
We lived in Dubai.		✓	

	Jamal	Saeed	neither
19 I left Iran when I was very young.			
20 I go to school by train.			
21 My sister lives abroad.			
22 I like going out with my friends.			
23 My parents do not work in England.			
24 I like my cousin very much.			

[6 marks]

Exercise 5: Questions 25 – 30

Jane's trip to Iran

Read Fereshteh's email to her friend.

To: Mandana@ 305.net
From: Fereshteh@booglemail.com
Date: 22 May 2016

دوست بسیار عزیزم ماندانا
نمی‌دانم چطور از کمکی که به دوست انگلیسی من "جین" در سفر ناگهانی‌اش به ایران کردی
تشکر کنم. مادرش امروز به من تلفن کرد و گفت که "جین" از این‌که غذاهای سنتی ایرانی
برایش پخته بودی بسیار متشکر است. او هرگز ندیده و نشنیده بود کسی حاضر باشد برای یک
نفر خارجی که نمی‌شناسد دو روز وقت صرف‌کند و جاهای دیدنی شهر را به او نشان بدهد.
مادرش می‌گفت "جین" از بین چیزهایی که به او نشان دادی از خانه‌های اشرافی شمال تهران و
بازار تهران بسیار خوشش آمده است. من با غرور به او گفتم که دوستی ما ایرانی‌ها طوری
است که وقتی دوستی از ما کاری بخواهد هر جور شده آن را انجام می‌دهیم. مادر "جین" به
من گفت که اگر تو به انگلیس بیایی او میل دارد همین کار را برای تو بکند.

قربانت
فرشته

Answer briefly **in English**.

Example: Who is Fereshteh writing to?

..... her friend

25 When did Mandana help Fereshteh's friend Jane?

..... [1]

26 How did Jane's mother communicate with Fereshteh?

..... [1]

27 What did Jane say she is thankful for?

..... [1]

28 What did Jane enjoy seeing in Tehran?

(a) [1]

(b) [1]

29 According to Fereshteh what are Iranians prepared to do for their friends?

..... [1]

30 What would Jane like to do for Mandana?

..... [1]

[7 marks]

Exercise 6: Questions 31 – 36

A passion for tennis.

Read Ziba's description.

۸ سال پیش من و پدر و مادرم به انگلستان آمديم. پدرم که در ايران مربی تنيس مشهوری بود در یک ورزشگاه در لندن شروع به کار کرد. من از کوچکی با پدرم به زمین تنيس می رفتم و او با دیدن عشق بی پایان من، اولین راکت تنيسم را برای من در ۵ سالگی خرید. الان چهار سال است که من در این کشور هفته ای سه روز برای تمرین به یک ورزشگاه جدیدالتأسیس می روم. دو سال پیش با امید بسیار برای بار اول در مسابقات تنيس جوانان لندن شرکت کردم و در ماه آوریل امسال در مسابقات تنيس جوانان شمال لندن اول شدم.

فکر نمی کنم هیچ چیز در دنیا می تواند پدرم را از این خوشحال تر بکند. او حس می کند که این بهترین دست مزد برای کار و زحمت چندین ساله اش می باشد. امروز وقتی به منزل آمد دو بلیت مسابقات تنيس "ویمبلدون" را آورده بود که خدا می داند به چه قیمتی خریده است تا من و او بتوانیم مسابقه ی فینال امسال را از نزدیک ببینیم.

13

Complete each sentence with a word from the list.

a sports centre	medal	in person
asked	moved to	played
on television	racquet	went with
home	third	well known
first	talked about	

Example:

Ziba's family moved to England eight years ago.

- 31 Ziba's father was a tennis coach in Iran. [1]
- 32 Ziba her father to give tennis lessons from an early age. [1]
- 33 She was given her first at the age of five. [1]
- 34 At present Ziba trains at three times a week. [1]
- 35 This year Ziba came in a youth tournament. [1]
- 36 Ziba and her father intend to watch Wimbledon [1]

[6 marks]

Exercise 7: Questions 37 – 41

The Iranian film 'Separation'

Read the text.

در سال ۲۰۱۲ فیلم "جدایی نادر از سیمین" ساخته‌ی اصغر فرهادی اولین فیلم ایرانی بود که برنده‌ی جایزه اُسکار بهترین فیلم خارجی شد و موفقیت درخشانی برای سینمای ایران به همراه آورد. اما دلایل زیادی برای موفقیت چشمگیر این فیلم وجود دارد: موضوع بسیار جالب فیلم، بازی حقیقتاً عالی هنرپیشه‌های آن و جایزه‌های بسیار دیگری که از کشورهای مختلف گرفته است.

در این فیلم سیمین مادر خانواده از شوهرش نادر می‌خواهد که به خاطر آینده‌ی دخترشان ترمه، ایران را ترک کند و با آن‌ها به آمریکا برود. نادر به دلیل بیماری لاعلاج پدرش نمی‌خواهد پدرش را تنها بگذارد و ترجیح می‌دهد که در ایران بماند. در این میان ترمه باید انتخاب کند که یا پدر را ترک کند و با مادر به آمریکا برود یا مادر را ترک کند و با پدر در ایران بماند. درصدهای زیادی از خانواده‌های ایرانی داخل کشور در وضع مشابهی هستند و هرگز نتوانسته‌اند جواب قابل قبولی برای این سؤال پیداکنند.

اشخاصی هم که به تماشای این فیلم می‌روند از خود این سؤال را می‌کنند، آیا واقعاً یک پدر یا یک مادر تا چه اندازه باید زندگی خود را برای آینده‌ی فرزندان‌شان تغییر دهند. فیلم به هیچ عنوان جوابی برای این سؤال ندارد و در پایان فیلم هم ما نمی‌فهمیم که ترمه بالاخره چه راهی را انتخاب می‌کند.

Answer briefly in English.

Example: Why has the film 'Separation' become so special?

It has won an Oscar

37 Give **two** reasons for the success of the film.

(a) [1]

(b) [1]

38 What does Simin consider in choosing to live in the United States?

..... [1]

39 What does Nader, the husband, decide to do and why?

(a) What? [1]

(b) Why? [1]

40 How do a percentage of Iranians living in Iran feel?

..... [1]

41 What does Termeh finally decide to do?

..... [1]

[7 marks]

Exercise 8: Questions 42 – 46

A family gathering in Turkey

Read Shayan's account

مدت‌ها بود که در خانواده‌ی ما بیش از هر چیز صحبت از جدایی غم‌انگیز و طولانی افراد خانواده از یک‌دیگر و اثرات نامطبوع آن بر روی بزرگ‌ترها و بخصوص مادر بزرگ و پدر بزرگ و خاله و عمه و دیگران می‌شد، تا این‌که برادر بزرگم محمد که تصمیم به ازدواج داشت فکر جالبی کرد.

"چه طور است در کشوری ازدواج کنیم که خانواده و دوستان بتوانند به آسانی و بدون دردسر گرفتن ویزا با هم باشند؟" این فکر همه‌ی ما را بسیار خوشحال کرد.

برنامه‌ریزی این کار نزدیک به یک سال زمان بُرد چون انتخاب محل درست و قابل دسترسی برای مسافرتین اروپا و آمریکا و ساکنین ایران کار آسانی نبود.

پس از مطالعه‌ی بسیار، کشور ترکیه برای این برنامه انتخاب شد. این انتخاب به علت نزدیکی آن کشور به ایران، هوای خوب، غذاهای خوشمزه و باب سلیقه‌ی ایرانی‌ها و البته وجود پروازهای ارزان به آن کشور بود.

به این ترتیب بود که در ماه می سال گذشته عده‌ی زیادی از بستگان و دوستان دو خانواده از کشورهای مختلف در هتلی در نزدیک آنتالیا دور هم جمع شدند.

هرگز لحظه‌ای را که جلوی در هتل به مادر بزرگ و پدر بزرگمان خوش آمد گفتیم از یاد نمی‌برم. همه گریه می‌کردیم ولی اشکمان، اشک خوشحالی بود و نه چیز دیگر.

Answer these questions briefly in Persian.

مثال: چه چیز باعث ناراحتی افراد خانواده‌ی شایان بود ؟
... دوری از بستگانشان ...

42 محمد برادر شایان چه تصمیمی داشت؟

[1]

43 او چه راهی را برای دیدن اقوام پیشنهاد کرد؟

[1]

44 انتخاب محمد چه مشکلی را از بین می برد ؟

[1]

45 دو دلیل برای انتخاب او بنویسید.

الف

[1]

ب

[1]

46 فراموش نشدن‌ترین خاطره برای شایان چه بود؟

[1]

[6 marks]

END OF QUESTION PAPER

BLANK PAGE

PLEASE DO NOT WRITE ON THIS PAGE

BLANK PAGE

PLEASE DO NOT WRITE ON THIS PAGE

PLEASE DO NOT WRITE ON THIS PAGE



Copyright Information

OCR is committed to seeking permission to reproduce all third-party content that it uses in its assessment materials. OCR has attempted to identify and contact all copyright holders whose work is used in this paper. To avoid the issue of disclosure of answer-related information to candidates, all copyright acknowledgements are reproduced in the OCR Copyright Acknowledgements Booklet. This is produced for each series of examinations and is freely available to download from our public website (www.ocr.org.uk) after the live examination series.

If OCR has unwittingly failed to correctly acknowledge or clear any third-party content in this assessment material, OCR will be happy to correct its mistake at the earliest possible opportunity.

For queries or further information please contact the Copyright Team, First Floor, 9 Hills Road, Cambridge CB2 1GE.

OCR is part of the Cambridge Assessment Group; Cambridge Assessment is the brand name of University of Cambridge Local Examinations Syndicate (UCLES), which is itself a department of the University of Cambridge.